

سورم سرا
(نگاهی به بالاجاده ی کردکوی)
جلد دوم

تألیف:
کریم الله قائمی و جمشید قائمی

سرشناسه	قائمی، کریم الله، ۱۳۱۸ -
عنوان و نام پدیدآور	سورم سرا: (نگاهی به بالاجاده‌ی کردکوی) / تألیف کریم الله قائمی و جمشید قائمی
مشخصات نشر	گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	ج.
شابک	دوره: 1-118-978-600-449؛ ج. ۲: 8-119-978-600-449
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	فهرست نویسی بر اساس جلد دوم، ۱۳۹۵.
یادداشت	چاپ قبلی: موسسه فرهنگی انتشاراتی فکرت، ۱۳۷۹.
موضوع	سورم سرا
موضوع	Suremsara (Iran)
شناسه افزوده	قائمی، جمشید، ۱۳۳۹ -
رده بندی کنگره	DSR ۲۰۹۵: ی ۱۳۹۰: ۴/۵
رده بندی دیویی	۵۵۲۳۳۷/۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	۴۵۲۴۷۱۷

سورم سرا (نگاهی به بالاجاده‌ی کردکوی) جلد دوم

تألیف: کریم الله قائمی و جمشید قائمی

ویراستار: نصیر قائمی

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۵۸۲ ص

عکس روی جلد: سیدرضا حجازی

طراح روی جلد: فاطمه صادقی

قطع: وزیری

شمارگان: ۳۰۰

شماره شابک دوره: ۱-۱۱۸-۴۴۹-۶۰۰-۹۷۸

شماره شابک: ۸-۱۱۹-۴۴۹-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و نشر: نوروزی-۰۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

فهرست مطالب

پیش سخن	۵
فصل نخست: اسناد ازدواج (از ۱۲۹۹ ق تا ۱۳۶۶ ق / ۱۲۵۸-۱۳۲۵ خ)	۱۳
فصل دوم: عاشقی عاشق و حوا	۱۳۷
فصل سوم: اسناد	۱۷۷
۱- ازدواج و طلاق	۱۷۷
۲- مصالحه نامچه	۱۸۸
۳- روستای اسب و حله و هزار جریب	۲۱۷
۴- خاندان نور محمدی	۲۹۳
۵- روستای آهنگر محله گرگان	۳۰۲
۶- خاندان قاجار	۳۶۰
۷- تظلم نامه	۴۹۶
۸- پاسخ و پرسش شرعی	۴۹۹
۹- استشهاد نامه	۵۱۱
۱۰- اختلاف سامان	۵۱۸
۱۱- هبه نامه	۵۲۱
۱۲- وکالت نامه	۵۲۱
۱۳- وصیت نامه	۵۲۳
۱۴- تقسیم نامه	۵۲۹
۱۵- جنگلبانی	۵۳۸
۱۶- احکام	۵۴۶
۱۷- نامه های دوستانه	۵۴۸
۱۸- واگذاری دشتبانی	۵۵۸

- ۱۹- اجاره نامه ۵۶۰
- ۲۰- قرار نامه ۵۶۰
- ۲۱- مبیعه نامه ۵۶۳
- ۲۲- متفرقه ۵۶۹
- ۲۳- آبادیهای دیگر ۵۷۷

www.ketab.ir

پیش سخن

برآنیم تا آن چه از تاریخ و فرهنگ «سورم سرا» به دست آمده بر شما بنمایانیم، در این کار راسخیم، نقد مستدل و مسئولانه را به جان پذیرائیم و به غیر آن نیز نمی اندیشیم.

پس از باب جلد نخست «سورم سرا (نگاهی به بالاجاده ی کردکوی)» در اردیبهشت ۱۳۷۹، بسیاری از دستداران و تشنگان فرهنگ و تاریخ بومی، به آغوش باز پذیره ی آن شدند و داوطلبانه در بهت معرفی آن برآمده و نه بر راقمان این سطور، بل بر فرهنگ و تاریخ، دوستی را تمام کردند و با اظهار تفقد شفاهی، کار بی ارج ما را، ارج نهادند.

با توجه به نام کتاب - سورم سرا (نگاهی به بالاجاده ی کردکوی) - دانسته می شود که نگاه به بالاجاده همه جانبه نبوده و اگر چه این بود، جلد دوم می فراهم نمی شد و شاید هم جلدهای بعدی.

در ادامه ی راه و در جستجو در احوال روزگاران «سورم سرا» اسناد زیادی به دست آمد که دست مایه ی تحقیق گردید. به تعداد کمی از اسناد در جلد نخست اشاره شد. دستداران فرهنگ و تاریخ به همیاری خود ادامه داده و اسناد خانوادگی خویش را در اختیار نگارندگان قرار داده اند. از میان آنها، اسناد: عقدنامه، نکاح نامه، شکایت نامه، صلح نامه، استشهاد نامه، تقسیم نامه، ضمانت نامه، مبیعه نامه، وقف نامه، اجاره نامه، مودت نامه، تظلم نامه، گواهی نامه، نشان نامه، تشویق نامه، تسویه حساب، صورت اموال و... به دستمان رسیده است که همه در این جلد آمده است و در ادامه ی آن، روزگار عاشقی «عاشق و حواء»، دلدادگیها، مرارتهای و بلاهایی که آن دو دیده اند، خود، تاریخی دیگر است.

در باب عقدنامه ها، اگر چه اورا قی پراکنده به دست آمد، اما می توان گفت به تقریب تمام دانسته های ما از دفتری به دست آمد که از عهد ناصر الدین شاه قاجار مانده بود. این دفتر

متعلق به خانواده ی مرحوم آقا شیخ ابوالحسن فرخی متوفایه سال ۱۳۷۸ خورشیدی است که توسط فرزند کهنتر او - علیرضا - در اختیار نگارندگان قرار گرفت. آنچه پیداست مطالب آن از زمان ملا محمدحسن فرخی پدر بزرگ مرحوم شیخ ابوالحسن است، اما این که از زمان پدر ملا محمد حسین - ملا محمد - هم دفاتر عقدی موجود بوده یا نه دانسته نیست و هم این که ملا محمد عاقد بوده یا نه؟ خبری به دست نرسید. اما به نظر می رسد عقد بودن، شغل خانوادگی آنها بوده است.

اطلاعات وجود، ۶۶۴ مورد عقد را نشان می دهد که شروع آن، نخستین روز آخرین ماه سال ۱۲۹۰ ق و پایان آن غره ربیع الاول ۱۳۶۶ ق برابر با ۱۳۲۵ خ است که جان بی بی بهرامی به عقد محمد تقی فرخی^۱ بالاجاده ای درآمده بود. در این فاصله ۶۷ ساله، سی و دو مورد هم خطبه و وفات - صغه - خوانده شد.

سعی شده است ترتیب سال های عقد رعایت شود اما در بعضی صفحات این ترتیب رعایت نشد و به نظر می رسد عاقدان فضلاء عالی برخی صفحات، بعدها استفاده شده است و نگارندگان آن را به ترتیب تاریخ تنظیم کرده اند.

آن طور که پیداست «سورم سرا» از روستاهایی بوده که همیشه عاقد داشته و مردمان قرای اطراف نیز بدان محل رجوع می کرده اند؛ افرادی از مناطق دور و نزدیک که در بالاجاده وطن کرده اند در همین جا عقد شده اند، مناطقی مانند: بلندریش، چهاردی، النگ، الوار، کرد محله [= کردکوی]، خراب مسجد [= خرم آباد]، بهتر، تلاته، میاندره، قاسم آباد، مفید آباد، زنگی محله [= زنگیان]، شمشک، شاهده [= اسلام آباد]، اسر محله، نودیجه، عبداللّهی، پلور، فولاد محله، نوکنده، کلاستگیان، حیدرآباد، چهارده کلاته، تودروار، حاجیلر، کلاجان، کفشگیری، تهران، شاهرود، کرمان، سرطاق، رادکان، شاهکوه و...

از عاقدان محلی و غیر محلی می توان به اشخاص ذیل اشاره کرد: ملا حسین قلی، ملا محمدحسن فرخی، ملا غلام رضا، ملا محمدرضا فرخی، ملا محمد قاسم، شیخ نوروز

۱- پدر بزرگ مادری نگارندگان، جان بی بی بهرامی در نوروز ۱۳۶۴ خورشیدی و کربلایی محمد تقی فرخی در

سال ۱۳۳۹ خورشیدی فوت کرده اند.

منتظری، ملا محمد ابراهیم قاضی، شیخ احمد منتظری، حاجی ملا عباس هزارجریبی، سید مرتضی النگی، ملا حسن شاه محمد، شیخ محمد علی قاجار شهبزاری، سید اسماعیل میر کریمی، ملا حسن حاج عیدی، آقا سید حسن، آقا سید حبیب، آقا سید حسن میر عمادی شاه کوئی، آقا شیخ موسی بهرامی، ملا محمد باقر، شیخ عبدالحسین فرخی، شیخ صفر علی شهبزاری، از عاقدین معمم با عناوین: ملا، آخوند و شیخ یاد شده است.

حق الزوجه عاقدان علاوه بر وجوه نقدی، آذوقه هم بوده است مانند: شالی، برنج، گندم و غیره.

در میان شروط عقد نکات بسیار جالبی به چشم می خورد؛ عصری که زن پشت حصار و حجاب اندرونی بوده و هر چند زنان روستایی از این قاعده تا اندازه ی زیادی مستثنی بوده و در کار زراعت و دامپروری و تولید اقتصادی همپا و هم دوش مردشان بوده اند - و شویش را آقا و خدای پس از ایزد دانسته و رخصت را مکلف به تبعیت کامل و فداکاری همه جوهره در برابر اراده ی او نشان می داده و مالعه و مقاد او بود؛ از پخت و پز و روفت و روب و پهن کردن رختخواب و جمع کردن جای خواب بچه زایی و بچه داری تا اسپند دود کردن و پشت سرش آب پاشیدن که لابد زودتر برگردد و خدایش را مجدّد کند، از مجموع غذا برایش بردن تا دست او؛ بر دستش ریختن و حوله به دستش دادن که این هم از بافته های خود او بود، از کاری که شوی را به حمام و دارد تا بچه ای که برای حمام چینه و قطیفه ای که در آفتاب نمایاند و دهها و صدها خدمت دیگر که لابد بسیاری از آنها با سرو صدا و توپ و تشر شوی هم همراه بود، عجیب است این زن که پیش از آن که به همه ی این امور تن درمی داد، زبان باز کرده، البته از حلق دیگران، که مثلاً در شروط عقد ییلاق تابستانه فراموش نشود، یا فلان زمین یا فلان ورزا باید به عنوان بخشی از مهریه به اسم من گردد و از این قبیل.

شرطی که زوج باید هر ساله زوج را به ییلاق ببرد، شرطی بود که بین شیخ سلیمان یزدی و صغرا یزدی که در ۱۳۴۸ق/ ۱۳۰۸خ عقد هم شده بودند. محمد علی امیر آبادی دامغانی (فرزند مشهدی حسین) به شهربانو شاه کوئی (دختر مشهدی باقر) قول داده بود که از دو

بچه ی زن که ظاهراً از شوی قبلی داشت، نگهداری کند و در صورت تخلف، مهریه ی او را بپردازد و او را طلاق دهد. عقد اینان در ۱۳۵۰ ق/ ۱۳۱۰ خ بسته شده بود.

پدر زنی هم بوده که مبلغی از مهریه را به داماد برگرداند با شرطی که داماد، پیش پدر زن بماند و او را خدمت کند و نصف اموال خود را هم به او داد به این شرط که اگر داماد به قرارش عمل ننمود، مبلغ مهریه را باز گرداند و نصفه ی اموال پدر زن را هم مسترد دارد. این دختر، شهربانو (دختر کریم یانسی) نام داشت که در ۱۳۴۹ ق/ ۱۳۰۹ خ عقد شده بود.

فاطمه حنر کربلایی ابراهیم تزری ساکن چهارده کلاته هزار جریب هم از شوهرش التزام گرفت که در زمین نهم کار در مزرعه «میان منان» چهارده کلاته، به اسم او کند. فاطمه در چهارده محرم ۱۳۰۵ ق/ ۱۲۹۵ خ به عقد مشهدی قربانعلی فتحعلی گمش درآمده بود.

موردی هم بوده که دختری به نام جلی که در ۱۳۳۵ ق/ ۱۲۹۵ خ به عقد محمد هاشم نامی درآمده بود، بخشی از مهریه به مبلغ ۱۵ تومان را یک جفت «ورزا» varza قبول کرد.

لیلا نامی هم که دختر رضا بود و در ۱۳۰۷ ق/ ۱۲۹۷ خ به عقد صفر علی فرزند الله بخش درآمده بود، مقداری از مهریه را به قیمت ده تومان، یک ماده گاو طلب کرد.

شرف جهان که در ۱۳۲۶ ق/ ۱۲۸۶ خ حلیله ی مردی به نام رحلی شده بود، ده تومان از کل مبلغ عقد را یک وردش [vardash = ۲۵۰۰ متر مربع] زمین به زاری طلب کرد.

در قرار نامه ای هم که البته جزو این اسناد نیست، شخصی (مسیح) پسران فرزند نوروز علی کمال چهارده کلاته) در قبال ۵ سال خدمت به فردی (مشهدی عباس تیمور قلندر ایشی) برادر زاده او (نیستر دختر مشهدی قاسم) را به زوجیت خود درآورد. ضمن آن که مخارج عروسی به عهده مشهدی عباس (عموی دختر) باشد.

زنی نیز به نام ام لیلا از شوهر خود - محمد مهدی مهدیانی - نصف خانه مسکونی محمد مهدی و نصف اثاثیه ی آن را به قیمت ۵۰ تومان از مبلغ مهریه پذیرفت. عقد اینان در تاریخ ۱۳۲۴ ق/ ۱۲۸۴ خ بود. زبیده هم که در سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۲۸۳ خ زن گلعلی شمشکی شده بود، یک دانگ آسیابی را در قریه ی شمشک سفلا خواست. رقیه دختر محمد حسین دامغانی

نیز از شوی خود علی اصغر میرزایی (پسر کربلایی علی) سه دانگ خانه ای واقع در قره ی
«ورکیان» دامغان را طلب کرد، عقد این دو در سال ۱۳۴۹ق/ ۱۳۰۹خ بود.

از شروط عقد عیسی فرزند آقا علی قاجار هم که لقمان دختر حاجی محمد آقای قاجار را
در سال ۱۳۴۷ق/ ۱۳۰۷خ عقد کرد این بود که داماد، یک سال پیش پدر زن بماند و برای
او زراعت بکارد، کار از داماد و خرج از پدر زن، نصف مخارج عروسی هم از پدر زن،
ضمن آن که داماد حق نداشت عروس را از خانه پدر زن بیرون ببرد.

شرطی هم بین زن و شوهری بسته شد که عقد صیغه ای شده بودند؛ گل خاتون دختر
مشهدی شبان تیمور تاش که در قبال یک تومان به مدت سه سال صیغه گلعلی فندرسکی
فته کشی درآمد بود، از شوهر التزام گرفت که در طی این مدت به پدر زن خود بدون
مزد خدمت کند و این خدمت از عوض شیربها محسوب شد، مخارج عروسی به عهده پدر
زن، مخارج لباس دختر به عهده داماد و در صورت پشیمان شدن پدر زن، اجرت سه ساله
داماد را به ازای هر سال ۲۰ تومان بپردازد این صیغه در ۱۳۱۸/۸/۲۸ خورشیدی صورت
گرفت.

یک مورد هم زوجه (ام هانی) که در ۱۳۰۳/ ۱۲۶۴خ به عقد یوسف نامی درآمده بود،
در حین عقد درخواست یک تومان لفظانه از شوهر داشت.

موردی هم که قرآن نیز جزو مهریه بود مربوط به ازدواج رفیع سلطان (دختر میرزا اسماعیل
خان) و ملا رجب چهاردی (فرزند حاج اسماعیل چهاردی) بود. تاریخ عقدشان به سال
۱۳۴۶ق/ ۱۳۰۶خ بود.

در میان شروط عقد، یک بار از خرید لباس زنانه صحبت شد.

مبلغ مهریه هر چه بود، همیشه بیشتر آن بر دمه ی زوج باقی می ماند و مبلغ کمی از آن
پرداخت می شد. باید توجه داشت مبلغ مهریه پیش از مسأله اقتصادی، نشان اعتبار
خانوادگی بوده است. تنها کسی که مبلغ مهریه را تمام و کمال پرداخت، آقا میر یوسف
بود که مبلغ مهریه (۹۹ تومان) را به زنش ماه خانم یک جا تقدیم داشت. کسانی هم بودند
که هیچ از مهریه را نپرداخته اند و بر دمه ی خود باقی گذاردند.

از میان این همه اسناد تنها یک بار اسم عروس آورده شد. این عروس به ظاهر خوش اقبال، نجیه، دختر کربلایی ذبیح الله بالاجاده ای بود که در سال ۱۳۳۰ق/ ۱۲۹۰خ به عقد علی فرزند علی قلی چهاردی در آمده بود.

از منکوحه گاهی به اسم «ضعیفه»، زمانی به نام «دختره» و وقتی هم به نام «عروس» یاد شده است. باید توجه داشت زمان عقد، محدودیت امروزی را نداشت؛ اول رمضان، بیستم رمضان، بیست و هشت رمضان، اول صفر، اول محرم و حتا چهارم محرم (قربانعلی فتحعلی کمش) و فاطمه دختر کربلایی ابراهیم تزی در سال ۱۳۳۵ق/ ۱۲۹۵خ هم عقد شده اند. یک مورد هم بوده که برای پرداخت باقی مهریه، وکیل و ضامن انتخاب کردند. موردی هم بود که از پول زبیه نام برده شده است و آن عروسی شاه محمد کمشی با صبح نسا، دختر محمد و کمشی بود که جمع مهریه آنها هفت روپیه بوده است.

ملا طهماسب نامی هم یک دختر (لقمان) و یک پسر (رمضان) خود را در یک زمان (۱۳۱۸ق/ ۱۲۷۹خ) به عقد در آورده است. موردی هم ناکح به نام مادرش شناخته می شد - علی ماه بانوی تیمورتاش - که در ۱۳۱۱/ ۱۳۰۴خ نرجس خاتون را به عقد در آورده بود. زبیده نامی هم لقب «کوثر» داشت که در سال ۱۳۱۸ق/ ۱۲۷۹خ زن سید حسن نامی شده بود. کاکو هم لقبی بوده برای علی [بهرامی] پسر اساعیل و سمیع الله که به نظر می رسد همان کاکا به معنی برادر باشد.

از برخی زوج ها به نام خودشان و از بعضی دیگر به نام زن، نام، شغل، معلولیت، موطن و یا پدرشان نام برده شده است، مانند: ملا حسین، ملا عاشور، ملا چراغعلی، اصغر ترک، قربانعلی یانسری، محمد حسن کلامویی، عباس مهتر کلاته، آقا عبدالقادر، ملا چراغعلی، آقا سید حسن درویش، استاد محمد رنگرز، اسماعیل جندی^۲ گالش، قربان آدم حاج نور علی چهاردی، شیخ ذبیح النگی، موسی قلی عاجز، صفر علی گالش، علی اصغر توپ، قاسمعلی مسکر، عباس دلاک، میرزا حیدر علی، استاد رجب اورسجی ارضتی، محمد

۱- کبوتر جنگلی

۲- نام اسماعیل جندی که منطقه ی جنگلی واقع در جنوب کردکوی؛ جنوب غربی بالاجاده است برگرفته از نام اوست. این شخص در ۱۳۱۶ق/ ۱۲۷۷خ با لایلا کمشی ازدواج کرده بود که حاصلش فرزندی به نام محمد حسن بود که در سال ۱۳۲۹ق/ ۱۲۸۹خ کبرا نامی را به عقد خود در آورد.

گودار، آقا محمدحسن شهنشاهی، غلامرضای کدخدای میاندره، آقا میربنی حسینی، آقابای قزاق خراسانی و

در کنار مبلغ مهریه به زینت آلات و ابزار دیگر ذیل می توان اشاره کرد:

گردنی^۱، گلوانه^۲، گوشواره، جفت گوشواره، کلاه زنانه با یراق طلا، چشم چین طلا، چشم چین گوشواره، ماهیچه ی گوشواره، انگشتر طلا، ماهیچه نوبی زلفی، طلا، چادر شب قرمز، چادرست ابریشمی، جاجیم، جاجیم رنگین، متکا با روبالش، نمد، نمدچه، فرش، سارق^۳، قطیفه، سارقه لباس، سفره، نمد ترکمانی، نمدچه ترکمانی، چادرشب کز، صندوق چوبی، صندوق آهن، صندوق مسی، صندوق روسی، مجمع مسی، دوری مسی، سینی برنجی، طاس، نیم ساق، قاشق، نان، زردستی، قوری، استکان، نعلبکی، سینی قهوه خوری برنجی، بشقاب، اسباب جای خوراک، لام، دولچه، لگنچه، نعلین، دکمه، تاس حمام، مسینه آلات، دیگ، آبکش، لگن و

قدیمی ترین تاریخ صیغه مربوط به سال ۱۲۸۹/ق ۱۳۰۹ خ است که بائه تومان، زنی را یک سال صیغه کرده اند و جدیدترین آن مربوط به سال ۱۳۱۸ خورشیدی است که با یک تومان، زنی را سه ساله در اختیار گرفته اند. گاهی اوقات هم امر صیغه پس از مدتی به عقد دائم ختم می شد.

گاهی کسی را که می خواستند به زیبایی مثال بزنند لفظ «پنج فاطمه» و «پنج شهرنوب» برمی خوریم.

برخی از اسامی قدیمی که امروزه کمتر انتخاب می شوند می توان به موارد زیر اشاره کرد: آسیه، اشرف، ایران، افروز، انیس، ایران تاج، بانو، بدر، بدرجهان، بلبل، بلدر، سانی، بهار، بی بی، پروانه، پری، پوران، تاج الملوک، تاج خانم، تاج سلطان، تاجی، ثریا، جبین، جمیله، جواهر، جهان بی بی، چمن، خان بی بی، خاتون، خانم، خاتم جهان، خاور، خورشید، دُک، دُر بی بی، دُر دُر، دُر صدف، رباب، رعنا، زهره، زیور، ساره، سلطنت، ستاره، سرائی، سلطان، سلیمه، شاه بی بی خانم، شاه جهان، شاه خانم، شاشا، شاه زنان، شاه صنم،

۱- گردنبد

۲- نوعی گردنی

۳- بُغجه

شرف، شرف جهان، شهربانو، شهزاد، شیروان، شیرین، صاحب جهان، صدف، صنم، صنم بر، صنوبر، طاووس، طرفه، طهماسب، عالم تاج، عنبر، فخر، فیروزه، کشور، کفتر، کوتر، کوکب، گل ابرو، گل بانو، گل بهار، گلدسته، گل بی بی، گل جهان، گل خانم، گل خاتون، گلستان، گل شاه، گلناز، گل یمن، گوهر، گوهر تاج، لقمان، ماه بانو، ماه پیکر، ماه جبین، ماه جهان، ماه نساء، ماه ننه، منظره، مشرف، ملک جهان، مولود، میری، مهتاب، ناز خانم، نازی، نیات، نجم، نرگیس، نه نه خانم، نه نه گل، نور جهان، نوروز، نوش آفرین و ... آدیبه، اسکندر، الماس، ایرج، جمشید، خسرو، رستم، زال، شاه جهان، شهباز، شجاع، فرید، کرومرث، گل بابا، مسیح، مشکات، نادر، هوشنگ و... هم از اسامی مردانه قدیمی بوده اند. جالب است نام های طاووس، شاه جهان و نوروز، هم برای مردان بود و هم برای زنان.

در بررسی عقد نامه ها نیز از شاغل دهقان و مالک، مشاغل زیر هم شناسایی شد: آخوند [همان شیخ و ملا]، استاد [شاید نجار]، ایلخی چی، پنجاه باشی [فرمانده پنجاه نفر]، تمر تاش، توپ، [توپچی]، حدامی، خیاط، دبّاغ، درزی [خیاط]، درویش، دلاک [به کسی گفته می شود که هم عمل ختنه انجام می دهد، هم دندان می کشید و هم آرایشگر بود]، رنگرز، زرگر، سفال ساز، سلمانی، شکارچی، شیخ، صباغ، فراش، قراری [کارگر قراردادی سالیانه]، قاضی، قزاق، کدخدا، کفشدوز، گالری، لاکتار، مسکر، ملا، ملک [کدخدا]، میرزا [شاگرد / میرزا بنویس]، نداف و نمد مال.